

یوسف وزلیخا

ولی عجبتز آنکه بنا به « فهرست کتابهای چاپی فارسی » تألیف خانبا باشار، یوسف وزلیخایی منسوب بنظامی گنجوی سه مرتبه در هندوستان در مطبعه سنکی چاپ شده که نخستین آنها در سال ۱۳۳۲ قمری در بمبئی بوده است.

(ارمغان ، سال شانزدهم ، ۹-۳۱) ؛ ظهیرالاسلام زاده ، « نظامی گنجوی در مدارج ترقی معنوی » (« ، سال هیجدهم ، ۲۲۵ - ۲۳۱) ؛ « آرامگاه حکیم نظامی گنجوی » (« ، سال نوزدهم ، ۶۸ - ۷۰) ؛ « شعرالمجم » (« ، ۹۳ - ۹۹ ، ۱۵۶ - ۱۶۶) ؛ « حکیم نظامی گنجوی » (« ، ۴۸۹ - ۴۹۶ ، ۵۶۲ - ۵۷۶) ؛ سال بیستم ، ۳۷-۷۶ ، ۱۴۵ - ۱۵۴ ، ۲۰۹-۲۲۴ ، ۳۲۱ - ۳۳۶ ، ۳۸۵ - ۴۰۰ ، ۴۹۷-۵۰۵) ؛ صدرالدین ظهیرالاسلام زاده ، « نبوغ حکیم نظامی و صفات کمال او » (« ، سال بیستم ، ۸۶ - ۸۸) ؛ سعید نفیسی ، « حکیم نظامی گنجوی » (« ، سال پنجم ، ۶۷ - ۷۷ ، ۱۵۵ - ۱۷۷ ، ۲۶۲ - ۲۷۳ ، ۳۰۴ - ۳۱۰ ، ۵۲۰ - ۵۳۰ ، ۶۱۴ - ۶۲۸) ؛ میرعباس میرباقرزاده ، « شیخ نظامی و مقبره او » (« ، سال ششم ، ۱۸۹ - ۱۹۶) ؛ یادگار ، سال چهارم ، شماره نهم و دهم ، ۹۲ - ۹۳ ؛ دکتر علی اکبر شهابی ، « نظامی شاعر داستان سرا » ، تهران ، ۱۳۳۴ شمسی ؛ توحیدی بور ، ۱۳۵ - ۱۴۶ ، ۱۳۶ ؛ « Encyclopédie de l'Islam » (« Nizâmi ») E. Berthels' III ; 1002 - 1003)

و برای ترجمه حال فضولی بغدادی به:

سام ، ۱۳۶ ؛ صادقی ، ۱۰۳-۱۰۵ ؛ رازی ، ۱۲۲-۱۲۳ ؛ نصر آبادی ، ۵۱۹-۵۲۰ ؛ آذر ، ۱۷۳ ؛ خوشگو ، حرف ف ؛ زنوزی (ر) ، روضه پنجم ، قسم دوم ، ۹۰۰ ؛ « (ب) ، الف ، شعبه ثانیه ؛ نور ، ۷۷ ؛ صبا ، ۵۳۵ ؛ براون ، د ، ۱۵۸ - ۱۵۹ ؛ تربیت ، ۳۰۰ ؛ شمس الدین سامی ، ه ، ۳۴۱۶ ؛ ابن یوسف (سپهسالار) ، ب ، ۶۴۶ - ۶۴۷ ؛ مدرس ، ج ، ۲۲۲ - ۲۲۳ ؛ لطیفی ، ۲۶۵ - ۲۶۶ ؛ Dr . Abdülkadir Karahan ; « Fuzuli' Muhiti' Hayatı ve Sahsiyeti » ; İstanbul' 1949 ; M . Fuad Köprülü ' « Fuzûli » (Islâm Ansiklopedisi , IV ' 686 - 699) ; Prof . Dr . köprülü zade Mehmet Fuat ' « Eski Sairlerimiz Divan Edebiyatı Antolojisi » ; İstünbul, 1934 s . 195 - 256

بخش سیم

منظومه‌هایی از ((یوسف وزلیخا)) ترکی که فعلاً

موجود است

۱- یوسف وزلیخای علی

داستان یوسف وزلیخا ظاهراً باین اثر وارد ادبیات ترک می‌شود. گوینده آن کسی است از اهل قریم که بگفته خود «علی» نام داشته و آن را در سال ۶۳۰ هجری بنظم درآورده است^۲. این اثر چندبار در قازان بطبع رسیده و قسمتی از آن را نیز هوتسما در سال ۱۸۸۹ میلادی از روی دو نسخه خطی در «مجموعه جمعیت مستشرقین آلمان»^۳ بعنوان «یک شعر قدیم ترکی»^۴ منتشر ساخته است که بعداً (در سال ۱۳۴۰ هجری) عین آن با شرح و انتقاد شیخ محسن فانی در استانبول در ضمن

۱- داستان یوسف وزلیخا بزبانهای هندوستانی نیز نوشته شده است. درین باب میتوان بقالۀ پرفسور محمداجمل خان بعنوان «یوسف وزلیخا» (مجله «ثقافة الهند»، جلد نهم، شماره ۴، ص ۱۹-۴۸ و جلد دهم، شماره ۳، ص ۷۸-۸۸) مراجعه کرد. در شماره ۴ جلد نهم ص ۲۲-۲۳ مینویسد: این تألیفات شش تا است که دو تا از آنها بزبان اردو است؛ دو تا به پنجابی، یکی بهندی و یکی دیگر بگجراتی بقرار زیر:

الف - بزبان گجراتی، بوسیله محمد امین گجراتی، در سال ۱۱۰۹ هجری

ب - « اردو » ، « فگار » ، « ۱۲۱۲ »

ج - « ، « شخصی مجهول » ، « ۱۲۰۰ »

د - « پنجابی » ، « عبدالستار » ، « ۱۳۱۳ »

ه - « ، « غلام رسول » ، « ۱۳۵۸ »

و - « هندی » ، « نصیر غازیوری » ، « ۱۳۵۳ »

۲- «تاریخ نینگ آلتی یوزاوتوزندان بوضیف بوکتانبی دوزدی ایمدی» (ص ۵۶)

۳- «Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft»

۴- «Ein alttürkisches Gedicht»

دیوان مخدومقلی (ص ۵۶ - ۶۴) انتشار یافته و همین نسخه است که در اینجا مورد استفاده من قرار گرفته است.

این اثر، برخلاف دیگر منظومه‌های یوسف وزلیخا از فارسی و ترکی که بروزن عروضی و بشکل مثنوی نوشته شده‌اند، مانند آثار خواجه احمد یسوی متصوف معروف ترك در قرن ششم هجری بروزن هجائی است و هر قسمتی از آن مرکب است از قطعه‌هایی مربع که سه مصرع اول آنها دارای يك قافیه است و مصرع چهارم ردیفی دارد که در تمام قطعات تکرار می‌یابد.

درین اثر جریان داستان چنانکه در قرآن هست با کمال سادگی تعقیب می‌شود و در اینجا از تصوف و صنایع بدیعی که در ادبیات ایران است اثری نیست^۱ و اینک قطعه‌یی از آن از صفحه ۵۷:

مصر ایچره بر تاجر اولور ایردی^۲ آنینگ آتی^۳ ملک بن دوغر ایردی
دوغر اوغلی ملک بر توش^۴ کوردی معبیره تاویلنی سورار^۵ ایمدی.

۲ = یوسف وزلیخای ضریر ازرومی

دومین منظومه موجود از یوسف وزلیخاهای ترکی از آن مصطفی بن یوسف بن عمر الضریر الارزن الرومی^۱ است که بسال ۷۶۸ هجری در بحر رمل مسدس بنظم در آورده است.^۲ یک نسخه خطی ازین مثنوی در ضمن مجموعه‌یی است در کتابخانه اونیورسیتته

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر در این باب رجوع شود به: کوپرلیلی زاده محمد فواد، «تورک ادبیاتی تاریخی»، استانبول، ۱۹۲۶، ص ۲۷۶ - ۲۷۷

۲- اولور ایردی = بود (۳) - آت = نام (۴) - توش = خواب (۵) - سورار = می‌برسد

۳- برای ترجمه حال ضریر رجوع شود به بروسه‌یی، ج ۳، ص ۱۳۷

۴- دیدی بوز آتمش سکزده سویلدم بونجلاین داستان شرح ایلدم «(برک ۵۳)

استانبول بشماره ۳۱۱ کتب ترکی خطی که از برک نخستین قایم برک ۵۳ یوسف وزلیخای ضریح است.

این منظومه در حدود دوهزار بیت است در هشت مجلس، و چنانکه ناظم خود نیز در چندجا تصریح کرده داستان مستقیماً از کتب تفسیر و قصص انبیا گرفته شده است.

۳- یوسف وزلیخای سوله فقه

دیگر از کسانی که داستان یوسف و زلیخا را بزبان ترکی بنظم در آورده اند شخصی است بنام «سوله فقیه» که ظاهراً (بدلیل سبک منظومه) آن را در قرن هشتم هجری منظوم ساخته و یگانه نسخه آن در کتابخانه اونیورسیتته استانبول بشماره ۹۷۰ کتب خطی ترکی موجود است.

درباره ناظم این اثر هیچ گونه اطلاعی از کتب تذکره بدست نمی آید و تنها از بعضی از برکهای آن مانند برکهای ۱۵، ۱۷، ۳۲ و ۱۰۴ معلوم می شود که وی «سوله فقه» یا «سوله فقی» نام داشته و نیز از خود اثر مستفاد می گردد که وی معلوم دینی از قبیل حدیث و تفسیر و غیر آنها آشنا بوده و علاوه بر زبان عربی زبان فارسی را نیز میدانسته است، چنانکه گاهی مصراعها و حتی بیتهایی بزبان فارسی می آورد، مانند این دو بیت در برک ۳۴:

ای منور چشم من از نور تو	ای منور روح تو روح منی
خرمنی گل بود در اول روی من	زعفران گشته در این دم این سنی
بنا به بیتی در برک ۱۰۳ این منظومه ۴۸۰۰ بیت بوده ولی از اول و اواسط	

۱- بیت دوم ظاهراً چنین بوده است:

زعفران گشته در این دم ای سنی
اشبوقه کیم اشیدوگ ای کشی

خرمن گل بد در اول روی من
بیتی درت بیگم سکز بوز صاغشی

نسخه بر گهایی افتاده و از تمام نسخه تقریباً دوثلک باقی مانده است. این اثر نیز مانند منظومه ضریر در بحر رمل و بشکل مثنوی نوشته شده ولی ناظم گاهی برای رفع خستگی خواننده غزلی می آورد که در عین حال همان وزن عمومی مثنوی را دارا است. از لحاظ جریان عمومی داستان نیز فرقی میان این دو منظومه نیست، جز اینکه سوله فقه بجزئیات اهمیت داده و تفرعاتی بر اصل موضوع افزوده است و بطور کلی می توان گفت که ارزش ادبی اثر وی از دیگر منظومه ها که در قرن هشتم نوشته شده بیشتر است.

این نیز که منظومه سوله فقه مبسوطتر و مشروحتر از آن ضریر نوشته شده خود دلیل دیگری است بر اینکه سوله فقه متأخرتر از ضریر بوده یعنی داستان را بعد از سال ۷۶۸ بنظم در آورده است؛ برای اینکه ضریر بر خود می بالد که این داستان را عده بی پیش از من گفته اند ولی تا کنون کسی آنرا مانند من شرح و بسط نداده است، و این وقتی درست تواند بود که ضریر بر سوله فقه مقدم باشد. مگر اینکه فرض کنیم که ضریر از وجود اثر سوله فقه بی اطلاع بوده، ولی این احتمال هم ضعیف است؛ زیرا این اثر، چنانکه از چند جای آن معلوم میگردد^۲ میان مردم شهرت داشته و در مجالس مختلف خوانده میشده و شنوندگان را معظوظ می ساخته است.

در خاتمه بیک نکته نیز باید اشاره کرد:

در کتابخانه اونیورسیتة استانبول بشماره ۷۰۶ کتب ترکی خطی یوسف وزلیخایی است مخلوط از نظم و نثر که مؤلف تقریباً تمام قسمت منظوم آن را از اثر سوله فقه گرفته منتها در بعض جاها افدک تغییری در آن داده است. چنانکه درین بیت سوله فقه:

صبر ادرسک سندی سوله فقه اولیالاراد کیمنه ایراسین (برگ ۳۲ سوله فقه)

- ۱- > نیجه لر کم سویلدی بوداستان
بن ضعیف بن گنهکار فقیر
بونجلاین قلمدی شرح بیان
سویلدم بوداستان بی نظیر (برک ۵۳)
- ۲- رجوع شود ببرگهای ۶۰ و ۸۴ سوله فقه

مؤلف نام « سوله فقه » را بر داشته و بجای آن نام خود « شمس الدین » را گذاشته و چنین گفته است :

صبر ایدر سکه سن داخی ای شمس الدین اولیا لر ایدر دو کنه ایره سین (بر ک ۲۱ شمس الدین).

۴ = یوسف وزلیخای یوسف

در کتابخانه اونیورسیتته استانبول مجموعه‌یی است بشماره ۲۶۴ کتب ترکی خطی که از برك نهم آن بیعد يك مثنوی یوسف وزلیخاست تقریباً دارای ۲۵۰۰ بیت و از بیتهای در بر ک یازدهم معلوم میشود که ناظم آن « یوسف » نام داشته است. این منظومه نیز بیحرمل است و مانند منظومه سوله فقه گاهی غزلهایی بر وزن عمومی مثنوی دارد، ولی زحافات و خطاهای عروضی و لغوی در آن بیشتر و بطور کلی ارزش ادبی آن کمتر است.

از لحاظ جریان داستان نیز این اثر مانند اثر سوله فقه است و حتی بعضی بیتها در هر دو با اندک اختلافی دیده می شود؛ چنانکه مثلاً بیت :

یوسف ایدر بن قولویم سلطانک
سندخی سلطانسن شمدی آنک
که در بر ک ۵۱ منظومه یوسف است در منظومه سوله فقه (بر ک ۴۰) باین شکل دیده میشود :

یوسف ایدر بن قلیم سلطانک
سندخی شمدی حلالیسن انوک.

۵ = یوسف وزلیخایی که ناظم آن معلوم نیست

دیگر از یوسف وزلیخاهای ترکی منظومیهی است مجهول‌الناظم که نسخه

خطی آن بشماره ۲۰۳۳ کتب ترکی خطی در کتابخانه او نیورسیتة استانبول موجود است. ازین نسخه از برگ ۷. ببعده چند برگ افتاده و آخر آن نیز ناقص است و داستان تا آنجا ادامه دارد که جام سیمین یوسف را در جوال برادرش بنیامین می گذارند. قسمت موجود این منظومه در حدود هزار بیت است که تقریباً نصفی از آن بشکل مثنوی و نصف دیگر بشکل قصیده است. ولی نه قسمت مثنوی و نه قسمت قصیده هیچ کدام وزن واحدی ندارد، بلکه بر بحرهای مختلف سروده شده است مانند بحر هزج، بحر رجز، بحر رمل و غیر اینها.

اثر از لحاظ ادبی نیز در مرحله ابتدائی است و چندان ارزشی ندارد و زحافات و خطاهای نظمی تقریباً همه جای آن را فرا گرفته است.

۶- یوسف وزلیخای شمس‌ی

در کتابخانه خصوصی حاج محمد آقا انجوانی يك نسخه خطی یوسف وزلیخا است بزبان ترکی که بتاریخ روز پنجشنبه بیست و یکم محرم ۹۳۲ - اثنی و ثلاثین وتسعما (کذا) - استنساخ شده است و از اول (ظاهر آیک برگ) افتاده گی دارد. عدۀ ابیات این نسخه در حدود ۲۵۰۰ بیت است بشکل مثنوی و بحر هزج، ولی گاهگاه غزلی هم دیده می شود که بر وزن همان مثنوی است. تخلص «شمسی» در مقطع غزلها نشان میدهد که گوینده این مثنوی متخلص به «شمسی» بوده ولی کدام شمس‌ی بوده و در چه تاریخی می زیسته است فعلاً معلوم نیست، و شاید یکی از آن پنج شش «شمسی» باشد که در تذکره لطیفی (ص ۲۰۶ - ۲۱۰) ذکر شده و در نیمه دوم قرن نهم و نیمه اول قرن دهم زیسته اند.

این اثر اولین یوسف وزلیخای ترکی موجود است که بر وزن عمومی یوسف وزلیخاها یعنی بحر هزج سروده شده است و دور نیست که ناظم آن در انتخاب این وزن از جامی پیروی کرده باشد.

ناظم در آخر کتاب می گوید:

تواریخ دنکک قصص دنکک مونی خامی
لسان عربیه تا درک قیلدوم
کتوردوم جمع قیلدوم من تمامی
اوتوردوم مونی ترکی نظم قیلدم.

۷- یوسف وزلیخای آق شمس الدین زاده حمدی

مشهورترین یوسف وزلیخاهای ترکی موجود منظومه آق شمس الدین زاده حمدالله حمدی متوفی در سال ۹۱۴ هجری است^۱.

این مثنوی که نسخ خطی زیادی از آن موجود است (از جمله نسخه شماره ۳۸۱۵ کتب ترکی خطی در کتابخانه اونیورسیتیه استانبول) بیش از شش هزار بیت دارد و در بحر خفیف گفته شده است؛ ولی گاهگاه بعضی غزلهای پنج شش بیتی بر وزنهای مختلف نیز تصادف می شود.

شاعر، چنانکه در سبب نظم داستان گوید، کوچکترین برادران خود بوده و چون پدرش وی را بیش از آنان دوست میداشته بروی رشک می برده و آزارش می کرده اند؛ ازین رو ب فکر نظم داستان یوسف وزلیخا می افتد و آن را بیایزید دوم تقدیم میکند. ولی چون از طرف بایزید نیز لطف و عنایتی را که انتظار داشت نمی بیند بر کرده خود پشیمان گشته راه فناخت پیش می گیرد و بادستمزداستسناخ مثنوی خود

۱- برای ترجمه حال این شاعر رجوع شود به:

محمد فؤاد کبرولو، «حمدی» (اسلام، ه (الف)، ۱۸۳-۱۸۶)؛ لطیفی،

۱۳۶-۱۳۹؛ شمس الدین سامی، «ج»، ۱۹۸۲.

روزگار می گذرانند^۱ و بگفته قنالی زاده (برک ۷۱) القاب بایزید را نیز از منظومه خود حذف می کند .

در میان یوسف و زلیخاهای ترکی نام فردوسی و جامی نخستین بار درین منظومه دیده میشود . می گوید داستان یوسف وزلیخا را بزبان ترکی خوب ننوشته بودند ، زیرا شاعری زبردست مانند فردوسی و جامی پیدا نمیشود . من این منظومه را بتقلید جامی نوشتم ؛ بعضی را ازو ترجمه کردم و برخی را بر اثر وی نظیره نوشتم^۲ . در واقع وقتی که این منظومه را با اثر جامی مقایسه می کنیم می بینیم که بعض جاها بیت بیت از کتاب جامی ترجمه شده و بعضیها هم بر آن نظیره گفته شده است ؛ ولی قسمت سیمی هم هست که آنها را حمدی بر کتاب جامی افزوده است .

اینک برای نمونه از قسمت ترجمه ، فصل مکالمه دایه بایوسف از جامی و حمدی :

(از حمدی)

(از جامی)

ز طفلی داغ تو بر سینه دارد	طفل اللدن طفیلی در غمگه
ز سودایت غم دیرینه دارد	نوله ایرسه وصل خرّمگه
بملك خود سه بارت دیده در خواب	سنی اوچ دفعه کرده خواب اچره
وزان عمری است مانده در تب و تاب	گچدی عمری تبیله تاب اچره
کهی چون آب در زنجیر بوده است	صوگبی گاه دشد زنجیره

۱- رجوع شود به « یوسف وزلیخای حمدی » (نسخه‌یی که بر بالا اشاره شد) ،

برک ۱۲ و بیانی ، برک ۲۵

۲- « عاقبت ایلدم بو قصه‌یی جست
قنی فردوس طوس گیبی فصیح
قانی مانند حضرت جامی
صالمشیدم بو نیته قرعه
ترجمان اولدی بعض ترجمه‌سی
کیمی ترجمه کیمی نظیر
بولدم ترکی دلده آنی درست
بلیل نظم داستان ملیح
دو جهانده رفیح اولای نامی
جامیدن اردی ناگهان جرعه
نظمه گرم اولدی طبعمگ هوسی
اومرم آخر ایلییه تقریر »

(یوسف وزلیخای حمدی ، نسخه مذکور ، برک ۱۳)

گهی چون باد در شبگیر بوه است
کنون هم گشته زین سودا چو مویی
ندارد جز تو در دل آرزویی
بدو ناکرده نقد زندگی کم
ترحم کن خوش است آخر ترحم
بلب هستی زلال زندگانی
چه باشد قطره‌یی بروی فشانی
بقد هستی نهال میوه آور
چه باشد گر خورد از نخل تو بر
رضاه تا ز لعلت کام گیرد
بود سوز دلش آرام گیرد
قدم نه تا سر اندازه بی‌بایت
رطب چمند ز نخل دلربایت
چه کم کرده ز جاه چون توشاهی
اگر گاهی کنی سویس نگاه
هوس دارد که با چندین عزیز
کنند پیش کنیزانت کنیزی
چو یوسف این سخن از دایه بشنود

یل گبی گاه آه شبگیره
شمدی دوندی جفا کله مویه
نظر ایتمز سک آه اول آهویه
نقد جان اولمدن دخی کم اکا
دمدر ایلسکک ترحم اکا
لبگی اتد حق زلال حیات
که که ارسون بو تشنکه قطرات
نخل قدک رطب لرنندن اکر
نوله بریسه که که اول دلبر
ورزلا لکدن اکه مقصودن
شاید اولا سیندره اودن
یوز اززه فوسکک کرم قدمن
قدمکک زایل ایلریدی غمن
عزتکدن نه اکسلر ای شاه
اتسکک اکسکسز اول فقیره نگاه
انچه داراتله بو ماه عزیز
کندویی اتد خدمتکه کنیز
یوسف اشتمدی چون بو گفتاری

پیاسخ لعل گوهر بار بگشود (ص ۹۷) لطفله آچدی لعل درباری (برک ۱۳۷)

اثر حمدی با آثار پیشینیان قابل مقایسه نیست و خیلی بهتر از آنها نوشته شده، چنانکه ابن کمال که یوسف وزلیخای خود را بعد از وی نوشته است می گوید: «اگر قبلا یوسف وزلیخای حمدی را دیده بودم ب فکر نظم این داستان نمی افتادم».

با این حال چنین هم نیست که این اثر بکلی از حافات و معایب ادبی مبرا باشد؛ زیرا چنانکه می‌دانیم ادبیات کلاسیک ترکی در قرن نهم هنوز بدرجه کمال خود نرسیده بود و یک قرن می‌بایست تا این مزیت نصیب وی گردد.

۸- یوسف وزلیخای ابن کمال

دیگر از یوسف وزلیخاهای ترکی موجود اثر شیخ الاسلام شمس‌الدین احمد ابن کمال است از علمای ترکی در قرن دهم و متوفی در سال ۹۴۰^۱ که در بحر هزج گفته شده و بقول ناظم در آخر مثنوی^۲ دارای ۷۷۷۷ بیت است. درین مثنوی نیز که نسخ خطی متعددی از آن موجود است (از جمله نسخه شماره ۱۸۱۱ کتب ترکی خطی در کتابخانه اونیورسیتیه استانبول) گاهگاه مغزله‌ها و حتی فصایدی بر اوزان مختلف دیده میشود، مانند قصیده ۱۲۳ بیتی بمطلع زیر:

نه طرفه‌دار اولور باقی بو گنبد دوار
گوزگک آچنجه سگا گوستر رهزار اطوار
(برگ ۱۴)

ناظم خود را مرید نظامی گنجه‌یی و خسرو دهلوی را گدای خوشه چین او و جامی را درد کش آخر مجلس می‌شمارد و میگوید چون این داستان «احسن القصص»

۱- درباره ابن کمال رجوع شود به:

İsmet Parmaksızoglu ، «Kemâl Paşa -Zâde» (اسلام، و، ۵۶۱ - ۵۶۶)؛

لطیفی، ۷۹-۸۲؛ بروسه‌یی، الف، ۲۲۳؛ شمس‌الدین سامی، ۵، ۳۸۸۵-۳۸۸۶

۲- «بودرج نظم ایچنده درج اولان در یدی بیگ یدی یوز یتیش یدی در» ولی من در چند نسخه ایات آن را شمردم، ۷۶۲۸ بیت بود؛ و اینکه بروسه‌یی ده‌زار بیت می‌نویسد (بروسه‌یی، الف، ۲۲۳) ظاهراً باید اشتباه باشد.

است باید بر وجه احسن سروده شود^۱.

این کمال نیز مانند حمدی در اثر خود پیرو جامی است و حتی بیش از حمدی سرمشق خود را رعایت کرده است. وی مانند جامی، ابتدا سخنی چند درباره تجلی حسن مطلق و فضیلت عشق و سخن گفته شروع باصل داستان می نماید و اثر جامی را با کمال صداقت تعقیب می کند. اثر وی قسمتی بیت بیت ترجمه جامی است و قسمت دیگر شرح و بسط آن، یعنی معنایی که در جامی بایک بیت افاده شده در منظومه وی با دوسه بیت یا بیشتر گفته شده است. چنانکه مثلاً آنجا که زلیخا برای رفع دلتنگی حاصل از عشق یوسف بصحرا می رود و در بر گشتن ناگهان یوسف را دیده بیهوش بر زمین می افتد در جامی ۱۶ بیت است و در این کمال ۷۰ بیت و اینک مثال برای قسمت ترجمه:

در آن خلوت که هستی بی نشان بود	بکنج نیستی عالم نهان بود
ظهوره گلمدین دیدار وحدت	دخی گرم اولمادین بازار کثرت
وجودی بود از نقش دوئی دور	ز گفت و گوی مائی و توئی دور
وجود بحتدی و ذات مطلق	جهان یوق ایدی حق و اریدی انجق
جمالی مطلق از قید مظاهر	بنور خویش هم بر خویش ظاهر
یوغیدی دخی بو قید مظاهر	جمال حقگ اطلاقنده ظاهر
دلارا شاهدی در حجله غیب	مبّرّا دامنش از تهمت عیب
دلارا شاهد ایدی حق جمالی	که بولمشدی جمالیله کمالی

۱- «طریقده چه گر شیخ فریدم
 صاوردی اول معانی خرمینی
 اوجام ایچنده قالان درد خامی
 چو احسندر بو قمو قصه لردن

نظامی شیخه جانیه مریدم
 اولوب خسرو گدای خوشه چینی
 کلوب مجلس صو گنده ایچدی جامی
 گر ککیم نظم اولا بروجه احسن»

نه زلفش را کشیده دست شانه	نه با آئینه رویش در میانه
نه زلفینه ایرشمش دست شانه	نه آلمش آینه اولیوزدن نشانه
ندیده چشمش از سر مه غباری	صبا از طره اش نگسسته تاری
صبا اولمامش اول طره ایله سر باز	چکلمامش گوزینه سرمه ناز
ندیده هیچ چشمی زو خیالی	رخش ساده زهر خطی و خالی
پیرا تمامش کسو گللرده خیالی	ظهوره کلممش خط و خالی
نرسسته سبزه اش پیرایه گل	نگسته با کلش همسایه سنبل
گلینه اولمامش همسایه سنبل.	خط سبز اولمامش پیرایه گل

(برگه ۲۲-۲۳ ابن کمال) (صفحه ۱۶-۱۷ جامی)

اما ارزش ادبی آن ، باید گفت که این اثر از لحاظ بیان هیجانانگیز (Lyrisme) بیای منظومه حمدی نمی رسد ، ولی از لحاظ رعایت قواوین نظم و فنون ادبی بهتر از آنست ، اگرچه از زحافات هم بکلی مصون نمانده است .

۹- یوسف وزلیخای یحیی بیگ

آخرین یوسف وزلیخای ترکی موجود منظومه دو قفه کین زاده یحیی بیگ متوفی در ۹۹۰ هجری است^۱ . این مثنوی ، که در استانبول بطبع رسیده و دارای پنج هزار بیت است ، مانند اثر شمس بروزن عمومی یوسف وزلیخاها یعنی بیجر هزج گفته شده است و برخلاف دیگر یوسف وزلیخاهای ترکی که تا کنون دیدیم هیچ گونه غزل یا قصیده‌یی در آن پیدا نمی شود .

۱- برای ترجمه حال یحیی بیگ رجوع شود به :

لطیفی ، ۳۷۱-۳۷۲ ؛ بروسی ، ب ، ۴۹۷ ؛ شمس الدین سامی ، و ، ۹۷۹۳

چنانکه دیدیم حمدی و بخصوص ابن کمال در اثر خود از جامی پیروی کرده و حتی در بسیاری از موارد ترجمه کتاب وی برخاسته بودند؛ ولی یحیی بیگ می گوید این منظومه اثر ابداعی من است و آنرا از آثار دیگران ترجمه نکرده‌ام، زیرا ترجمه شایسته این داستان نبود^۱.

در حقیقت منظومه یحیی بیگ حاوی بعضی اضافاتی است که در دیگر یوسف و زلیخاها نیست و از ابتکارات و تخیلات خود وی می باشد. ولی، چنانکه ابن کمال اثر جامی را تقلید کرده بود، یحیی بیگ نیز بی شبهه اثر حمدی را برای خود سر مشق قرار داده است. در اثر یحیی بیگ جریان داستان از اول تا آخر عیناً همانست که در اثر حمدی است و تفرعاتی را که حمدی بر کتاب جامی اضافه کرده است یحیی بیگ عیناً در اثر خود آورده منتها در بعضی جاها شکل آنها را تغییر داده و علاوه بر آن تفرعات زیادی نیز از خود بر آنها افزوده است.

اثر یحیی بیگ نه مانند منظومه جامی موجز است و نه مثل یوسف و زلیخای منسوب بفردوسی اطناب دارد، بلکه حد وسطی است مابین آن دو. زحافات اثر حمدی نیز در آن وجود ندارد و قواعد نظم در آن رعایت شده است و اینک برای نمونه بیته چند در اینجا می آوریم:

طلوع ایتدی فلکده ماه تابان
بلند آواز ایله گلدی خطابه
کسلمز اضطر ابگک تا سحر گاه
که وارد گردننده هاله دن طوق
سننده گون کبی واردرزوالکک .

(ص ۷۴)

شب غم گلدی گتدی روز هجران
کلام ایتدی مه عالی جنابه
ایتدی^۲ سن ده عاشق میسن ای ماه
جنون عشقله اولدنی پرشوق
خزان پیراغنه دونمش جمالکک

خیال خاصم اولدی اکثریا
اولو حلوا سنی الم دهانه
متاع غیره دلال اولدم بن . (ص ۱۹۲)

۱- «بوتالیف لطیف و در معنی
یا قشمر ترجمه بو داستانه
معانی موج اورر کن بحر دلدن
۲- «آیتدی» یعنی پرسید .

بخش چهارم

یوسف وزلیخاهایی که بترکی گفته شده و نسخه آنها

فعلاً موجود نیست^۱

۱- یوسف وزلیخای محمود قریمی

یکی ازین یوسف وزلیخاها اثر شاعری است بنام محمود قریمی که با احتمال قوی در قرن هشتم هجری می زیسته است. این منظومه که چندی پیش، خاورشناس روسی، فالف، از روی یسگانه نسخه خطی آن موجود در کتابخانه گتا (Gotha) بعضی قطعات آنرا منتشر ساخته است بر وزن هجایی و بشکل قطعه‌های مربعی است^۲ و چنانکه پرفسور احمد جعفر اوغلی می گوید^۳ لهجه آن همان لهجه دده قورقوت است.

۱- درین باب مراجعه باین اثر نیز مفید است :

İsmail Hikmet, «Farsca ve Türkce Yusuf ve Zeliha' lar» (Edebiyat Fakültesi Türk dili ve edebiyati dergisi , III , Sayı 1 , 2 , s . 211 – 230)

۲- رک . کوپرلی زاده محمد فؤاد ، « تورک ادبیاتی تاریخی » ، استانبول ، ۱۹۲۶ ، ص ۳۵۷ (Turi Yujef) مترجم زاغب خلوصی) ، « تورک دیلی یادگارلاری » (ملی تبیلر مجموعه سی ، جلد ۲ ، شماره ۴ ، ص ۹۳)

۳- رک . پرفسور احمد جعفر اوغلی ، « تورک دیلی تاریخی نوظلاری » ، ص ۱۱۸

۲- یوسف وزلیخای عبدالمجید قریمی

دیگر منظومهٔ یکی از شعرای آلتون اردواست بنام عبدالمجید قریمی و متخلص به «عبدل» که در قرن هشتم هجری می‌زیسته و در سال ۸۱۴ هنوز زنده بوده است.^۱ این منظومه «مونس العشاق» نام داشته و از ظریفترین یوسف وزلیخاها بوده^۲ ولی افسوس که نمونه‌ی ازان در دست نیست.

۳- یوسف وزلیخای دربیك بلخی

دیگر مثنوی شاعری است بنام دربیك (Dürbeg) از اهالی بلخ که این داستان را در قرن نهم بنام سلطان شاهرخ متوفی در سال ۸۵۰ مترکی جغتایی بنظم درآورده است.^۳

۴- یوسف وزلیخای خطایی

شاعری دیگر بتخلص «خطایی» و نزدیک بعهد شاه اسماعیل صفوی خطایی یوسف وزلیخایی بیجر رمل مسدس بنام سلطان یعقوب آق قوینلو نوشته است که نسخه‌ی ازان در کتابخانهٔ مرحوم تربیت موجود بوده و اولش اینست:

ابتدا قیلدم بنام اول کریم ای که بسم الله الرحمن الرحیم^۴

۱- رک. م. م. فؤاد کپرولو، «چغاناتای ادبیاتی» (اسلام، ج ۲۸۳)؛ بروسی،

ب، ۱۳۵

۲- رک. کاتب چلبی، ب، ۱۹۱۱؛ اسماعیل، الف، ۶۲۰

۳- رک. م. م. فؤاد کپرولو، «چغاناتای ادبیاتی» (اسلام، ج ۲۹۴)

۴- رک. تربیت، ۱۳۷

۵- یوسف وزلیخای چاکری

سنان بن سلیمان چاکری از امرای بایزید دوم (۸۸۶ - ۹۱۸) و متوفی در حدود ۹۲۰ نیز خمسه‌یی گفته است که از جمله «یوسف وزلیخا» می باشد^۱

لطیفی این دوبیت را که در وصف پاکدامنی زلیخا است از آن مثنوی نقل می کند:

یوزینی گورمه مش چشم مخنت کونش گورمزدی اولماسه مؤنت
 دو پستانی حبابی عین کافور برینی گورمه مشدر سینۀ حور .

۶- یوسف وزلیخای لقائی

لقائی استانبولی از امرای بایزید دوم و متوفی در عهد سلیم اول (۹۱۸-۹۲۶) نیز یوسف وزلیخایی نوشته است که بقول لطیفی بر یوسف وزلیخای حمدی نظیره است^۲.

در تذکره لطیفی (نسخه کتابخانه اونیورسیتۀ استانبول ، شماره ۲۶۴۶ کتب ترکی خطی) آنجا که شرح حال لقائی را می نویسد در حاشیه اضافه میکند که وی مثنوی یوسف وزلیخارا نوشته ببایزید تقدیم نمود ؛ بایزید از کتاب تفؤل کرد و این بیت درآمد :

یوسفک قرداشلری اول قوم شوم آکا ظلم ایلدی اول قوم ظلوم
 که نظیره این بیت حمدی بود :

اول اهل ضالالت اولدی بولار صگره اهل نبوت اولدی بولار
 بایزید خشمگین شده کتاب را در آتش انداخت و گفت کسانی که اهل نیستند

۱- رک . لطیفی ، ۱۱۴-۱۱۵ ؛ بروسه‌یی ، ب ، ۱۳۴ ؛ اسماعیل ، الف ، ۴۱۰

۲- رک . لطیفی ، ۳۰۴-۳۰۵ ؛ بروسه‌یی ، ب ، ۹۶ ؛ شمس الدین سامی ، ماده

نباید باین کار بزرگ اقدام کنند.

اثر لقائی ، چنانکه از بیت مزبور معلوم می شود ببحر رمل مسدّس بوده و بنا بر گفته لطیفی چندان ارزش ادبی نداشته است .

۷- یوسف وزلیخای ضیائی

از جمله کسانی که این قصه را برشته نظم کشیده اند یوسف ضیائی متوفی در سال ۹۵۰ است^۱ . لطیفی این اثر را می ستاید و چهار بیت از آن نقل می کند :

چون ایره عاقله بر کار مشکل	که دشوار اوله اندن کار عاقل
ایده عقلینه بر عقلی دخی یار	کاوله آسان اگا اول کار دشوار
چو روشن اولمیه بر شمعله او	اویر بر شمعی داخی که ارته پرتو
ولی خیر اومه تدبیر عوجدن	که کجملک آرتار انجق ایکی کجدن.

۸- یوسف وزلیخای گامی قره مانی

محمد گامی قره مانی برادرزاده شیخ جمال و متوفی در ۹۵۲ نیز داستان یوسف و زلیخا را در بحر هزج مسدّس برشته نظم کشیده است^۲ .

بروسه بی گوید : این مثنوی با بعضی اضافات از یوسف وزلیخای جامی ترجمه

۱- رک . لطیفی ، ۲۳۰ ؛ بروسه بی ، ب ، ۹۹۳

۲- رک . لطیفی ، ۲۷۹ ؛ بروسه بی ، ب ، ۳۸۹ ؛ قتالی زاده ، برگ ۹۲ ؛ قاف زاده

برگ ۹۲ ؛ عاشق چلبی ، برگ ۱۲۸ ؛ کاتب چلبی ، ماده «یوسف وزلیخا»

شده است. عاشق چلبی گوید: کامی آن را بانجام رسانید، ولی پس از مرگش
پراکنده شد و از بین رفت؛ سپس این بیت را بعنوان نخستین بیت آن مثنوی نقل می کند:

الهی نامگیله خامه عشق یازار هر نامه یه سر نامه عشق

لطیفی بعد از آنکه این اثر را می ستاید و می گوید: کامی درین اثر نازک کاریهایی
کرده است و صنایعی از خود نشان داده و در نظم مثنوی تصنع و تمخیل و آرایش لفظ
و لطف گفتار بیش ازین نمی تواند باشد، پنج بیت از اول مثنوی و سه بیت در وصف اسب
و سه بیت دیگر در وصف شتر می آورده (رک . تذکره لطیفی، نسخه کتابخانه انونیورسیتته
استانبول، بشماره ۲۴۱۱ کتب ترکی خطی، برگ ۲۰۰). قاف زاده نیز در «زبدة الاشعار»
خود (برگ ۹۲-۹۳) بیست و نه بیت ازین مثنوی آورده است.

پس در حال فعلی مجموعاً چهل و یک بیت ازین اثر در دست است و از روی
همان ابیات می توان حکم کرد که این مثنوی در نوع خود از بهترین آثار بوده است.

۹- یوسف وزلیخای قاضی سنان

قاضی سنان مناستری از شعرای قرن دهم نیز مثنوی یوسف و زلیخایی
نوشته است^۱.

قتالی زاده این دو بیت را از آنجا نقل می کند

گورمسم یوسفی اگس بر آن گورینور کرپگم گوزومه سنان
دیلمم دوراوله گوزیمه گوزی ینه قوینمده یار شور بوتوزی

و همچنین این بیت را که درباره خاله یوسف است:

۱- رک . قتالی زاده، برگ ۱۵۱؛ بروسه بی، ب، ۱۳۵؛ شمس الدین سامی، د،

غرض فاسدی میانه آیدی اورته لقمه کمر بهانه آیدی .

۱۰ = یوسف وزلیخای خلیفه قره آمدی

همچنین خلیفه قره آمدی که پدرش از اهالی تبریز بوده است^۱ بگفته کاتب چلبی این قصه را در هفت هزار بیت بنظم در آورده و آن را در سال ۹۷۰ بانجام رسانیده است^۲. ولی افسوس که نمونه‌یی ازان در دست نیست.

۱۱ = یوسف وزلیخای غباری

از شعرای قرن دهم هجری عبدالرحمن بن عبدالله آقشهری متخلص به «غباری» نیز، که بقول بروسه‌یی در ۹۷۴ و بنا با اسماعیل پاشا صاحب «اسماء المؤلفین» در ۹۸۲ در گذشته، یوسف وزلیخایی نوشته است که بگفته بروسه‌یی نظیره‌یی است بر منظومه جامی^۳. ازین اثر نیز فعلاً نمونه‌یی موجود نیست.

۱۲ = یوسف وزلیخای بهشتی

فرزند سلیمان بیگ سنان چلبی^۴ متخلص به «بهشتی» و متوفی در ۹۷۹ نیز

۱- رک . عهدی ، برگ ۵۶

۲- رک . کاتب چلبی ، ماده « یوسف وزلیخا »

۳- رک . بروسه‌یی ، ج ، ۱۱۲ ؛ اسماعیل ، الف ، ۵۴۶

۴- این اسم مطابق تذکره لطیفی است ؛ ولی در سه‌یی بیگ « احمد »، در بروسه‌یی

« احمد سنان » و در قنالی زاده و شمس الدین سامی سلیمان چلبی فرزند سلیمان بیگ است.

خمسه‌یی گفته است که از جمله مثنوی «یوسف وزلیخا» است^۱
 سهی بیگک گوید: خمسه نظامی را ترجمه کرده و مثنوی «یوسف وزلیخا»
 نوشته است. لطیفی نیز این بیت را در وصف زلیخا ازان مثنوی آورده است:
 اولورسم حسنی وصفنده مبارز قلم بر پارمغی شرحنده عاجز.

۱۳ = یوسف وزلیخای شکاری

احمد^۲ شکاری از شعرای قرن دهم نیز این داستان را بنظم در آورده است.
 قنالی زاده گوید: وی بنظم این داستان شروع کرده بود که در گذشت و اثری از
 منظومه اش نماند.^۳
 گرچه شمس‌الدین سامی سال مرگ وی را ۹۱۲ می‌نویسد، ولی دیگران
 مانند قنالی زاده و بروسه‌یی ۹۹۲ نوشته‌اند.

۱۴ = یوسف وزلیخای قدیمی

اسماعیل پاشا منظومه یوسف وزلیخایی به حمدی چلبی رومی متخلص به «قدیمی»
 و حافظ کتاب دیوان و متوفی بسال ۹۹۵ نسبت میدهد.^۴

-
- ۱- رک . لطیفی ، ۱۰۴ - ۱۰۵ ؛ قنالی زاده ، برگ ۷۱ ؛ سهی بیگ ، برگ ۷۰ ؛
 بروسه‌یی ، ب ، ۹۶ ؛ کاتب چلبی ، ماده «یوسف وزلیخا» ؛ شمس‌الدین سامی ، ب ، ۱۴۱۹
 ۲- شمس‌الدین سامی نام وی را «حیدر» می‌نویسد .
 ۳- رک . کاتب چلبی ، ماده «یوسف وزلیخا» ؛ قنالی زاده ، برگ ۱۵۹ ؛ بروسه‌یی
 ج ، ۱۵۴ ؛ شمس‌الدین سامی ، د ، ۲۸۶۴
 ۴- رک . اسماعیل ، الف ، ۳۳۵-۳۳۶

۱۵ = یوسف وزلیخای مصطفی هوایی

مصطفی هوایی بروسه‌یی از شعرای قرن دهم و متوفی در سال ۱۰۱۷ نیزداستان یوسف وزلیخا را بنظم در آورده است. وی علاوه برین منظومه قصه‌وامق و عذرا رانیز بنظم کشیده و «گلستان» و «بوستان» را هم شرح کرده است^۱.

۱۶ = یوسف وزلیخای ذهنی بغدادی

عبدالدلایل^۲ بغدادی متخلص به «ذهنی» و متوفی بسال ۱۰۲۳ نیز از جمله شاعرانی است که داستان یوسف وزلیخا را بنظم در آورده اند^۳. در تذکرها مستقیماً بنمونه‌یی ازین اثر برنمی‌خوریم؛ ولی کاتب چلبی در ماده «یوسف وزلیخا» میگوید در «زبدة الأشعار» دوبیت ازین منظومه هست، وقاف زاده در «زبدة الأشعار»، بی آنکه اسمی از «یوسف وزلیخا» ببرد، این پنج بیت را بذهنی بغدادی نسبت می‌دهد:

فنده گوندرسگ انی فتح و بشارتله گلور خوش قدم قاصد فرخنده خبردر قلمک
اول لاله رخه عرض ایدیچکک چهره زردی گل گیبی گولوب دیدیکه رنگمده د گلسن
پرداغ گوگلم الیدی خیال خط تری گردی یانسق حصارنه گویا یگیچری

۱- رک. ریاضی، برگ ۱۵۲؛ بلیغ، برگ ۱۶۳؛ بروسه‌یی، ب، ۴۸۸؛

شمس‌الدین سامی، و، ۴۷۶۷

۲- شمس‌الدین سامی (ج، ۲۲۳۰) نام وی را «عبدالداائم» می‌نویسد؛ ولی

در تذکره ریاضی (برگ ۱۴۰) و قنالی زاده (نسخه کتابخانه او نیورسیتة استانبول، شماره ۳۰۴

کتب ترکی خطی، برگ ۱۴۲) و کشف الظنون «عبدالدلایل» است.

۳- رک. ریاضی، ۱۴۰؛ کاتب چلبی، ماده «یوسف وزلیخا»

دمك گرم ایت اولورسكك وصل جویان نفسله مرده شمع اولور فروزان
دوشوررسكك اله بر در شهوار ایکی الله یاپش اگه صدف وار .
وچون ازین پنج بیت تنها دوبیتی که بشکل مثنوی و بریک وزن باشد بیت‌های چهارم
و پنجم است پس مقصود کاتب چلبی همان دو بیت است ، بخصوص که بروزن عمومی
یوسف وزلیخاها نیز می‌باشد .

۱۷ = یوسف وزلیخای نعمت‌الله حونازی

بنا به « کشف‌الظنون » ، ماده « یوسف وزلیخا » ، شاعری بنام نعمت‌الله حونازی
نیز قصه یوسف وزلیخارا در بحر سریع برشته نظم کشیده است . ولی گذشته از اینکه
نمونه‌یی ازین منظومه در دست نیست ، اصلاً معلوم نشد که این شاعر کیست و در
چه تاریخی زیسته است ؛ لیکن بدیهی است که باید بر کاتب چلبی متوفی در سال
۱۰۶۷ مقدم ویالا اقل باوی همزمان بوده باشد .

۱۸ = یوسف وزلیخای رفعتی

از شعرای قرن یازدهم عبدالحی چلبی متخلص به « رفعتی » نیز بگفته
بروسه‌یی این داستان را بنظم در آورده است . این شاعر علاوه بر « یوسف وزلیخا »
« لیلی و مجنون » نیز نوشته و در هزارهشتاد و اندهجری در استانبول وفات یافته است^۱
از یوسف وزلیخای وی نیز نمونه‌یی موجود نیست .

۱۹- یوسف وزلیخای عبدالرحمن هوایی

عبدالرحمن هوایی استانبولی متوفی در ۱۱۲۲ هجری نیز این داستان را بنظم کشیده^۱ ولی نمونه‌یی از آن موجود نیست.

۲۰- یوسف وزلیخای احمد مرشد

احمد مرشد دیاربکری از مشایخ قرن دوازدهم و متوفی بسال ۱۱۷۴ نیز منظومه یوسف وزلیخایی نوشته است^۲ ولی ازین منظومه هم فعلاً اثری موجود نیست.

پایان

در اینجا موضوع مقاله پایان رسید. ولی برای حسن ختام^۳ و مزید فایده می‌خواهم جمله‌یی چند بر آنچه درباره حاذق هروی گفته‌ام بیفزایم: خوانندگان محترم بخاطر دارند که یوسف وزلیخای این شاعر در شماره ۱۸ یوسف وزلیخاهای فارسی که در دسترس نبود مورد بحث شد و بعنوان نمونه چهار پنج بیتی که آقای حاج محمد آقازنجوانی از یک نسخه خطی آن در شهر کابل استنساخ کرده برای نگارنده بارمغان آورده بودند درج گردید.

۱- رک . بروسه‌یی ، ب ، ۲۹۳

۲- رک . بروسه‌یی ، الف ، ۳۳

۳- بشرط اینکه خوانندگان خرده‌گیری نکنند و تعبیر « سربریدن » را منافی

حسن ختام نشانند .

بعد از نشر مقاله نامه‌یی از طرف فاضل محترم آقای احمد گلچین معانی رسید که حاوی اطلاعات سودمندی بود ، از جمله درباره شاعر مذکور ویوسف وزلیخای وی ، که اینک قسمت اخیر را برای تلافی مافات عیناً در اینجا میآورم :

« مثنوی یوسف وزلیخای جنیدالله حاذق هر وی مشتمل بر چهار هزار و سیصد بیت بسال ۱۳۲۵ هـ ق در حاشیه کلیات جامی در تاشکند با خط نستعلیق زیبای محمد شاه مراد بن شاه نعمه الله بطبع رسیده است ، و کاتب در پایان کتاب پیش از ذکر نام خود در جدولی بطرز چلیپا نوشته است که: « صاحب مثنوی جناب جنیدالله مرحوم و مغفور متخلص بحاذق برای فوت خود در شب قتلش انشاء نموده ، اقتدار و ولایت آنجناب در صفحه اوراق نمایان باد گویان ، در اینجا درج کرده شد :

کار هر کس نیست از تاریخ قتلش دم زدن از « تن حاذق » بجزو تاریخ سر بریدنش «

فهرست منابعی که درین مقاله مورد استفاده قرار گرفته است^۱

(باعلامات اختصاری آنها)

- ۱- آذر = لطفعلی بیگ آذر ، « آتشکده » ، بمبئی ، ۱۲۷۷
- ۲- آزاد(س) = غلامعلی آزاد بلگرامی ، « سرو آزاد » ، طبع هندوستان
- ۳- ابن الاثیر = عزالدین ابوالحسین علی بن ابی الکریم محمد بن محمد بن عبدالکریم ابن عبد الواحد الشیبانی المعروف بابن الاثیر ، « کتاب الکامل فی التاریخ » ، جلد هشتم ونهم ، لیدن ، ۱۸۶۴-۱۸۶۵
- ۴- ابن عاشور = ابن عاشور محمد رحمت الله بخاری متخلص بواضح ، « تحفة الاحباب فی تذکرة الاصحاب » مشهور به « تذکرة قاری » ، طاشکند ، ۱۳۳۲
- ۵- ابن یوسف (سپهسالار) = ابن یوسف شیرازی ، « فهرست کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار » ، جلد دوم ، تهران ، ۱۳۱۶-۱۳۱۸
- ۶- ابن یوسف (مجلس) = ابن یوسف شیرازی ، « فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی » ، کتب خطی فارسی » ، تهران ، ۱۳۱۸-۱۳۲۱ شمسی
- ۷- ابواللیث = ابواللیث نصر بن ابراهیم السمرقندی ، « تفسیر » ، نسخه خطی کتابخانه کپرولو ، شماره ۷۲
- ۸- اته = هرمان اته ، « تاریخ ادبیات فارسی » (ترجمه دکتر رضازاده شفق) ، تهران ، ۱۳۳۷ شمسی
- ۹- ارمغان = وحید دستگردی ، « مجله ارمغان » ، تهران

- ۱۰۔ اسلام = معارف ترکیہ ، « اسلام آنسیکلوپدیسی » ، استانبول
- ۱۱۔ اسماعیل = اسماعیل باشا البغدادی ، « اسماء المؤلفین و آثار المصنفین » ،
استانبول ، ۱۹۵۱
- ۱۲۔ بایقرا = سلطان حسین بایقرا ، « مجالس العشاق » ، کانپور ، ۱۳۱۴
- ۱۳۔ بداونی = عبدالقادر بن ملوک شاہ بداونی ، « منتخب التواریخ » ،
کلکتہ ، ۱۸۶۵ - ۱۸۶۹
- ۱۴۔ براون = ادوارد براون ، « تاریخ ادبی ایران » (ترجمہ علی پاشا صالح ،
علی اصغر حکمت ، رشیدیاسہی) ، طہران ، ۱۳۱۶ - ۱۳۳۳ شمسی
- ۱۵۔ بروسہ بی = بروسہ بی محمد طاہر ، « عثمانلی مؤلفری » ، استانبول ،
۱۳۳۳ - ۱۳۴۳
- ۱۶۔ بزرگ = آقا بزرگ الطہرانی ، « الذریعۃ الی تصانیف الشیعۃ » ،
الجزء التاسع ، تہران ، الطبعة الاولى
- ۱۷۔ بسمل = میرزا علی اکبر نواب متخلص بہ بسمل ، « تذکرۃ دلگشا » ،
نسخہ خطی کتابخانہ ملک ، شمارہ ۳۸۴۰
- ۱۸۔ بلیغ = بلیغ ، « تذکرۃ شعرا » ، کتابخانہ اونیورسیتہ استانبول ،
شمارہ ۲۳۸۲ کتب ترکی خطی
- ۱۹۔ بہمن = بہمن میرزا قاجار پسر عباس میرزا ، « تذکرۃ محمد شاہی » ،
نسخہ خطی کتابخانہ مجلس ، شمارہ ۹۰۳
- ۲۰۔ بیانی = مصطفی بیانی ، « تذکرۃ الشعراء » ، کتابخانہ اونیورسیتہ
استانبول ، شمارہ ۲۵۶۸ کتب ترکی خطی
- ۲۱۔ تربیت = محمد علی تربیت ، « دانشمندان آذربایجان » ، طہران ،

- ۲۲- تقی کاشی (خ) = تقی الدین محمد بن علی حسینی کاشی ، « خلاصة الاشعار و زبدة الافکار » ، نسخه خطی کتابخانه مجلس ، جلد اول ، شماره ۳۳۴
- ۲۳- تمکین (ر) = حاج زین العابدین شروانی متخلص به تمکین ، « ریاض السياحة » ، اصفهان ، ۱۳۲۹
- ۲۴- جابری = حسن انصاری جابری ، « تاریخ اصفهان » ، چاپ سنگی ایران
- ۲۵- جامی (ب) = عبدالرحمن جامی ، « بهارستان » ، اذانتشارات کتابخانه مرکزی ، ۱۳۱۱ شمسی
- ۲۶- جامی (ن) = عبدالرحمن جامی ، « نفحات الانس » ، لکهنو ، ۱۳۳۳
- ۲۷- خواند میر = میرغیاث الدین محمد خواندمیر ، « حبیب السیر » ، طهران ، ۱۳۳۳ شمسی
- ۲۸- خوشگو = خوشگو ، « سفینه خوشگو » ، نسخه خطی کتابخانه سپهسالار ، شماره ۲۷۲۴
- ۲۹- داور = شیخ مفید بن میرزا محمد نبی شیرازی متخلص به « داور » ، « مرآة الفصاحة » ، نسخه خطی کتابخانه آقای جعفر سلطان القرائی
- ۳۰- دنبلی (ت) = عبدالرزاق بیگک دنبلی ، « تجربه الاحرار و تسلیمية الابرار » ، نسخه خطی کتابخانه مجلس ، شماره ۵۳۴
- ۳۱- دنبلی (ن) = عبدالرزاق بیگک دنبلی ، « نگارستان دارا » ، نسخه خطی کتابخانه آقای سعید نفیسی ، شماره ۲۱۱۹
- ۳۲- دولت شاه = دولت شاه سمرقندی ، « تذکرة الشعراء » ، لیدن ، ۱۹۰۰
- ۳۳- دیوان ییگی = احمد بن ابی الحسن شیرازی ، « حدیقة الشعراء » ، نسخه خطی کتابخانه آقای جعفر سلطان القرائی ، شماره ۱۷۶

- ۴۴۔ رازی (خ) = امین احمد رازی ، «ہفت اقلیم» ، نسخہ خطی کتابخانہ سپہسالار ، شمارہ ۲۷۳۴
- ۴۵۔ راوی = محمد گروسی معروف بہ فاضل و متخلص بہ راوی ، «انجمن خاقان» ، نسخہ خطی کتابخانہ آقای جعفر سلطان القرائی
- ۴۶۔ رشید و طواط = رشید الدین محمد عمری کاتب بلخی معروف بہ و طواط ، «کتاب حدائق السحر فی دقائق الشعر» ، نشر عباس اقبال
- ۴۷۔ ریاضی = محمد ریاضی ، «ریاض الشعراء» ، کتابخانہ اونیورسیتہ استانبول ، شمارہ ۴۰۹۸ کتب ترکی خطی
- ۴۸۔ زمخشری = محمود بن عمر الزمخشری ، «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل» ، مصر ، ۱۲۸۱
- ۴۹۔ زنوزی (ب) = محمد بن عبدالرسول الحسینی الزنوزی ، «بحر العلوم» ، نسخہ خطی کتابخانہ حاج حسین آقا نخبجوانی
- ۴۰۔ زنوزی (ر) = ابن عبدالرسول الحسینی الزنوزی التبریزی محمد المدعو بالحسن ، «ریاض الجنۃ» ، نسخہ خطی کتابخانہ حاج محمد آقا نخبجوانی
- ۴۱۔ سام = سام میرزا صفوی ، «تحفہ سامی» ، طهران ، ۱۳۱۴ شمسی
- ۴۲۔ سرخوش = محمد افضل سرخوش ، «کلمات الشعراء» ، لاہور ، ۱۹۴۲
- ۴۳۔ سنبھلی = میر حسین دوست سنبھلی ، «تذکرہ حسینی» ، لکھنؤ ، ۱۲۹۲
- ۴۴۔ سہی بیگ = سہی بیگ ، «ہشت بہشت» ، کتابخانہ اونیورسیتہ استانبول ، شمارہ ۷۳۳ کتب ترکی خطی
- ۴۵۔ شاملو = محمد صالح شاملوی خراسانی ، «محک شعراء» ، نسخہ خطی کتابخانہ ملک ، شمارہ ۴۰۹۶

- ۴۶۔ شبلی = پرفسور شبلی نعمانی ، «شعر العجم» (ترجمہ سید محمد تقی فخر داعی گیلانی) ، طہران ۱۳۱۶ - ۱۳۳۶ شمسی
- ۴۷۔ شرق = سعید نفیسی ، «مجلہ شرق» ، طہران
- ۴۸۔ شعری = میرزا طاهر اصفہانی متخلص بہ «شعری» ، «گنج شایگان» ، طہران ، ۱۲۷۲
- ۴۹۔ شفق = دکتر رضا زادہ شفق ، «تاریخ ادبیات ایران» ، طہران ، ۱۳۱۳ شمسی
- ۵۰۔ شمس الدین سامی = شمس الدین سامی ، «قاموس الاعلام» ، استانبول ، ۱۳۰۶ - ۱۳۱۶
- ۵۱۔ شیر علی = امیر شیر علی خان لودی ، «مرآة الخیال» ، بمبئی ، ۱۳۲۴
- ۵۲۔ صبا = محمد مظفر حسین متخلص بہ صبا فرزند مولوی محمد یوسف علی ، «روز روشن» ، ہوپال ، ۱۲۹۷
- ۵۳۔ صدیق = امیر الملک سید محمد صدیق حسن خان بہادر ، «شمع انجمن» ، طبع ہندوستان ، ۱۲۹۳
- ۵۴۔ طبرسی = شیخ ابو علی فضل بن الحسین الطبرسی ، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» ، طہران ، ۱۲۶۸
- ۵۵۔ طبری = ابو جعفر محمد بن جریر الطبری ، «جامع البیان» ، جلد دوازدہم ، چاپ مصر
- ۵۶۔ عاشق چلبی = عاشق چلبی ، «مشاعر الشعراء» ، کتابخانہ اونیورسیتہ استانبول ، شمارہ ۲۴۰۶ کتب ترکی خطی
- ۵۷۔ عبد النبی = ملا عبد النبی فخر الزمانی قزوینی ، «میخانہ» ، لاہور ، ۱۹۲۶
- ۵۸۔ عزام = دکتر عبدالوہاب عزام ، «الشاهنامہ» (مدخل) ، قاہرہ ، ۱۹۳۲

- ۵۹- علی حسن = سیدعلی حسن خان صاحب بهادر حسینی قنوجی بخاری ،
« صبح گلشن » ، طبع هندوستان ، ۱۲۹۵
- ۶۰- عهدی = عهدی ، « گلشن شعرا » ، کتابخانه اونیورسیتة استانبول ،
شماره ۲۶۰۴ کتب ترکی خطی
- ۶۱- عوفی = محمد عوفی ، « لباب الالباب » ، لیدن ، ۱۹۰۳ - ۱۹۰۶
- ۶۲- فخری (ر) = فخری بن محمد امیرالپهروی ، « روضة السلاطین » ،
کتابخانه اونیورسیتة استانبول ، جزو کتب ترکی
خطی ، شماره ۴۰۹۷ ، از برگ ۲۶۷ (ب) تا برگ
۲۷۵ (ب)
- ۶۳- فخری = فخری هراتی ، « ترجمه مجالس النفائس » ، تهران ،
۱۳۲۳ شمسی
- ۶۴- فرشته = محمد قاسم فرشته ، « تاریخ فرشته » ، چاپ هندوستان
- ۶۵- فرهنگ = علی متخلص به « فنا » ، « مدایح معتمدی » ، نسخه خطی
کتابخانه حاج حسین آقا نخبجوانی
- ۶۶- فروزانفر (سخ) = بدیع الزمان بشرویه ئی خراسانی ، « سخن و سخنوران » ،
تهران ۱۳۱۲ - ۱۳۰۸
- ۶۷- فسایی = حاجی میرزا حسن حسینی فسایی ، « فارسنامه ناصری » ،
تهران ، ۱۳۱۳
- ۶۸- قافزاده = قافزاده ، « زبده الشعراء » ، کتابخانه اونیورسیتة استانبول ،
شماره ۳۲۸۹ کتب ترکی خطی
- ۶۹- قدرت = محمد قدرت الله گوپاموی متخلص به « قدرت » ، « نتایج الافکار » ،
بمبئی ، ۱۳۳۶ شمسی

- ۷۰- قنالی زاده = قنالی زاده حسن چلبی ، « تذکره شعرا » ، نسخه خطی کتابخانه مراد ملا از کتابهای عبدالحمید ، شماره ۱۰۶۲
- ۷۱- کاتب چلبی = مصطفی بن عبدالله الشهیر بحاجی خلیفه وبکاتب چلبی ، « کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون » ، نشر معارف ترکیه
- ۷۲- کاظم = کاظم ، « تذکره کاظم » ، نسخه خطی مجلس ، شماره ۹۰۱
- ۷۳- کسائی = محمد بن عبدالله الکسائی ، « قصص الانبیاء » ، جلد اول ، لیدن ، ۱۹۲۲
- ۷۴- لطیفی = قسطنونیللی لطیفی ، « تذکره » ، استانبول ، ۱۳۱۴
- ۷۵- محمود = محمود میرزا قاجار ، « سفینه محمود » (مجمع المحمودات ، نسخه خطی کتابخانه حاج حسین آقا نخجوانی ، شماره ۱۷۵۱ ، ص ۱-۲۴۹)
- ۷۶- مدرس = محمد مدعلی مدرس تبریزی خیابانی ، « ریحانة الادب » ، چاپ اول ، ۱۳۲۶ - ۱۳۳۳ شمسی
- ۷۷- مستوفی = حمدالله مستوفی ، « تاریخ گزیده » ، لندن ، ۱۳۲۸
- ۷۸- معصومعلی = معصومعلی نعمة اللہی شیرازی ، « طرائق الحقائق » ، طهران ، ۱۳۱۷-۱۳۱۹
- ۷۹- مق . حکیم = ابن المبارک محمد قزوینی معروف به حکیم ، « ترجمه مجالس النفاثات » ، تهران ، ۱۳۲۳ شمسی
- ۸۰- ممیز = ممیز مالیه تبریز در قرن سیزدهم هجری ، « تذکره ممیز » ، نسخه خطی کتابخانه مجلس ، شماره ۹۰۴
- ۸۱- مهر = مجید موقر ، « مجله مهر » ، طهران

- ۸۲- نصر آبادی = محمد طاهر نصر آبادی اصفهانی، «تذکره شعراء»، طهران،
۱۳۱۷ شمسی
- ۸۳- نور = سید نورالحسن بن سید محمد صدیق حسن خان بهادر،
«نگارستان سخن»، طبع هندوستان، ۱۲۹۳
- ۸۴- نوری = نورالله بن شریف حسینی مرعشی شوشتری، «مجالس
المؤمنین»، طهران، ۱۲۶۰
- ۸۵- هدایت (ر) = رضاقلی هدایت، «ریاض العارفین»، طهران، ۱۳۰۵
- ۸۶- هدایت (م) = رضاقلی هدایت، «مجمع الفصحاء»، طهران، ۱۲۸۴-۱۲۹۵
- ۸۷- هما = محمد صادق مروزی متخلص به هما، «زینة المدايح»،
نسخه خطی کتابخانه حاج حسین آقا نخبجوانی، شماره ۲۰۷۵
- ۸۸- یوسف وزلیخای = نسخه خطی کتابخانه خصوصی حاج حسین آقا نخبجوانی
آذریگدلی (۲۱۵۹)
بشماره ۲۱۵۹
- ۸۹- یوسف وزلیخای = نسخه خطی کتابخانه خصوصی حاج حسین آقا نخبجوانی
آذریگدلی (۲۵۶۰)
بشماره ۲۵۶۰
- ۹۰- یوسف وزلیخای = چاپ بمبئی، ۱۳۰۶ قمری
جامی
- ۹۱- یوسف وزلیخای = نسخه خطی کتابخانه خصوصی حاج حسین آقا نخبجوانی
جوهر تبریزی
بشماره ۲۶۹۸
- ۹۲- یوسف وزلیخای = کتابخانه اونیورسیتة استانبول، جزو کتب ترکی خطی،
حمدی
شماره ۳۸۱۵
- ۹۳- یوسف وزلیخای = نسخه خطی کتابخانه ملک بشماره ۴۸۲۵
خاوری
- ۹۴- یوسف وزلیخای = کتابخانه اونیورسیتة استانبول، جزو کتب ترکی خطی،
سوله فقه
شماره ۹۷۰

- ۹۵- یوسفوزلیخای = نسخه خطی کتابخانه مجلس بشماره ۱۵۰۴۵
شعله کلبایگانی (م)
- ۹۶- یوسفوزلیخای = نسخه خطی کتابخانه خصوصی حاج محمد آقا نججوانی ،
شعله کلبایگانی (ن) (تاریخ استنساخ : ۱۲۸۳)
- ۹۷- یوسفوزلیخای = نسخه خطی کتابخانه مجلس بشماره ۱۷۸۲۴
شهاب ترشیزی
- ۹۸- یوسفوزلیخای = کتابخانه اونیورسیتة استانبول ، جزو کتب ترکی خطی ،
ضریب شماره ۳۱۱
- ۹۹- یوسفوزلیخای = (دیوان مخدومقلی ، استانبول ، ۱۳۴۰ ، ص ۵۶ - ۶۴)
علی
- ۱۰۰- یوسفوزلیخای = چاپ طهران ، ۱۲۹۹ قمری
فردوسی
- ۱۰۱- یوسفوزلیخای = کتابخانه اونیورسیتة استانبول ، جزو کتب ترکی خطی ،
کمال پاشازاده شماره ۱۸۱۱
- ۱۰۲- یوسفوزلیخای = کتابخانه اونیورسیتة استانبول ، جزو کتب ترکی خطی ،
مجهول الناظم شماره ۲۰۳۳
- ۱۰۳- یوسفوزلیخای = چاپ هندوستان ، ۱۸۷۹ میلادی
ناظم هروی
- ۱۰۴- یوسفوزلیخای = چاپ استانبول
یحیی بیگ
- ۱۰۵- یوسفوزلیخای = کتابخانه اونیورسیتة استانبول ، جزو کتب ترکی خطی ،
یوسف شماره ۲۰۶۲

- ١٠٧-Ethé, «Bodleian» = Hermann Ethé, Catalogue of the Persian, Turkish, Hindûstânî and Pushtû Manuscripts in the Bodleian Library », Oxford, 1889
- ١٠٨-Ethé, «Firdausis = Hermann Ethé, « Firdausis Yûsuf und Zalikhâ » Yûsuf und Zalikhâ » (Verhandlungen des VII Internationalen Orientalisten-Congresses gehalten in Wien in Jahre, 1886, Wien, 19 - 45)
- ١٠٩- Ethé, « India = Hermann Ethé, «Catalogue of Persian manuscripts in the Library of the India Office», Oxford, 1903 - 1937
- ١١٠-Ethé, «Neuper- = Hermann Ethé, «Neupersische Litteratur» (= Wilh. sische Litteratur» Geiger and Ernest Kuhn, Grundriss der Iranischen Philologie, Strasburg, 1896-1904, II, 212-368)
- ١١١-Geiger = Abraham Geiger, « Was hat Mohammed aus dem Judenthume aufgenommen? » , Leipzig, 1902
- ١١٢-Grunbaum = M. Grunbaum, «Zu Yussuf und Suleicha » (ZDMG, Leipzig, 1889, X L III, 1-29)
- ١١٣-Rieu = Charles Rieu, «Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum», II, London, 1881
- ١١٤-Sarfarâz = Khan Bahâdur Shaikh Abdu'l - Kâdir-E -Sarfarâz, «Descriptive Catalogue of the Arabic, Persian and Urdu Manuscripts in the University of Bombay», Bombay, 1935
- ١١٥-Schapiro = S. Schapiro, «Die aggadischen Elemente», Berlin, 1907
- ١١٦- Siderski = D. Siderski, «Les origines des Légendes musulmanes dans le Coran et dans Les vies des Prophètes » , Paris, 1933